

بسم الله الرحمن الرحيم

اکتشافات اخیر سیاسی عبداللطیف عربیات، شصت سال است که از جمله بدیهیات در نزد حزب التحریر

به شمار می‌رود



(ترجمه)

در مصاحبه‌های جدیدی که تلویزیون‌های اردن به نشر رساند و در سایت‌های اینترنتی به صورت گسترده پخش گردید، عبداللطیف عربیات رئیس اسبق مجلس نماینده‌گان اردن، که یکی از مسئولین بلند پایه گروه اخوان المسلمین در اردن می باشد، از واقعیت‌های سیاسی‌ای پرده برداشت که خودش شاهد آن نیز بوده. این واقعیت‌های سیاسی را که عربیات در این مصاحبه‌ها از آن پرده برداشته، شصت سال است که در نزد حزب التحریر از جمله بدیهیات سیاسی به شمار می‌رود.

عربیات از منابع موثقی نقل قول نمود که "جونکیندی" رئیس جمهور امریکا در طی تماس تلفونی از "جمال عبدالناصر" رئیس جمهور مصر در سال 1963م خواست تا تشکیل سیاسی را برای فلسطین ایجاد نموده که در نشست‌های بین‌المللی از فلسطینیان نماینده‌گی نماید. هم‌چنان از جمال عبدالناصر خواست تا قضیه فلسطین را از اسلامیت به عربیت و سپس به فلسطینی بودن انتقال دهد که جمال عبدالناصر این خواست امریکا را-که در حقیقت بالای خود واجب می‌دانست- قبول نموده و به صورت عاجل با تأسیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین اقدام کرده و این خواست را در سال 1964م عملی نمود. بعد از ده سال در کنفرانس "رباط" در سال 1974م، سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌عنوان یگانه نماینده رسمی مردم فلسطین شناخته شد و به این صورت دست مسلمانان و اعراب را از قضیه فلسطین کشیده و قضیه فلسطین تنها به مردم فلسطین خلاصه گردید.

بدون شک این معلومات دال بر این است که جمال عبدالناصر تعلیمات خود را از امریکا می‌آموخت و سپس آن آموخته‌ها را به اجراء می‌گذاشت. یا به عبارت دیگر، جمال عبدالناصر اجیر امریکا بود که خواسته‌های آن را عملی می‌نمود و این چیزی است که حزب التحریر در همان زمان طی ده‌ها منشور سیاسی تأکید کرده و این موضوع در همان زمان در محور بحث شباب این حزب با مردم قرار داشت.

"عربیات" واقعیت سیاسی معروف دیگری را کشف کرده است که جمال عبدالناصر از انقلابیون سال 1957م به‌خاطر سقوط نظام "هاشمی" اردن؛ یعنی حکومت ملک حسین حمایت کرد؛ اما آقای "عربیات" عوامل انقلاب را تذکر نداد. باوجودی که این قضیه برای آگاهان سیاسی کاملاً روشن و واضح است و همه می‌دانند که عوامل انقلاب آن زمان تنش‌ها بین امریکا و انگلیس در اردن بود.

"عربیات" اعتراف کرد که اخوان المسلمین در آن زمان در کنار نظام هاشمی برضد تلاش‌های جمال عبدالناصر ایستاده و برای حمایت نظام هاشمی موقف شدیدی را اتخاذ نمود، در حالی که جمال عبدالناصر از انقلاب ضد هاشمی حمایت می‌کرد.

پرسشی که مطرح می‌شود و عربیات به آن پاسخی نداده است، اینست که چرا اخوان المسلمین در اردن در کنار نظام هاشمی و علیه انقلابی که مورد حمایت جمال عبدالناصر قرار گرفت، ایستاده‌گی کرده و از آن حمایت خود را اعلام نمود؛ در حالی که اخوان المسلمین می‌دانست که نظام مصر و اردن هردو تابع و وابسته به غرب هستند؟! با وجودی که "عربیات" می‌دانست که تمام منطقه از ابتدای تا انتها وابسته به هدایات خارج هستند و هرکدام از دولت‌هایی که ادعای ثبات و استقلال را دارد، تصامیم مهم داخلی خود را از خارج می‌گیرند، "عربیات" طور مبهم به این صحبت‌ها اشاره کرد، در حالی که واضح است، کسی که در امور این دولت‌ها مداخله می‌کند، امریکا و اروپا بوده و رهبری این دولت‌ها در مجالس غربی صورت می‌گیرد که دساتیر توسط امریکائی‌ها صادر شده و سپس دولت‌های مزدور به اجرای مطالب خواسته شده می‌پردازند.

"عربیات" هم‌چنان از مداخلات عمیق سفیر اسبق امریکا در اردن اظهار نظر کرده گفت: «سفارت امریکا در تمام مسایل دولتی اردن دخالت نموده و همین سفیر امریکا بود که از قانون انتخابات این کشور حمایت کرد.»

بنائاً زمانی که "عربیات" و حزب‌اش از این واقعیت‌های سیاسی اردن و دولت‌های عربی پرده برداشتند، چرا سکوت را اختیار کردند و چرا امت را از این حالت خطرناک به‌صورت آشکار آگاه نساخته و از نظام اردن تا هنوز حمایت می‌کنند؛ با وجودی که می‌دانند که نظام اردن مانند عروسکی‌ست که به دست دولت‌های غربی بوده و هر قسم خواسته باشند به سر نوشت آن بازی می‌کنند؟

"عربیات" با تلاش‌های زیادی خواست تا قرار گرفتن گروه اخوان المسلمین را در کنار نظام حکومت‌داری اردن توجیه و تبرئه نماید، و طوری وانمود سازد که گویا اردن مانند مصر، سوریه، لیبیا، عراق، یمن و تونس به‌دستورات خارجی وابسته

نبوده و گوش نمی‌دهد؛ وابسته‌گی که منجر به انقلابات این کشورهای عربی شد. اردن دولتی است که با داشتن دو ویژه‌گی با این دولت‌ها متمایز است و این دو ویژه‌گی استقرار و استمرار این کشور می‌باشد. به همین خاطر اخوان المسلمین از زمان تأسیس‌اش تا اکنون در کنار نظام اردن بوده است.

اما این توجیحات هیچ عاقلی را قناعت نداده و دلائل "عربیات" واهی و بدون دلیل می‌باشد. واضح است که با نظام اردن مداهنت آشکاری صورت می‌گیرد. واقعیت عینی نشان می‌دهد که نظام اردن وابسته‌تر و خائن‌تر از سایر نظام‌های عربی بوده و در تاریخ فلسطین خیانت آشکاری دارد؛ به حدی که اردن و دولت یهود مانند دویله ترازوی هستند که هم‌زمان تأسیس شدند و مزدوری نظام اردن نه‌تنها برای نخبه‌گان؛ بلکه برای هیچ انسان عادی پوشیده و پنهان نمی‌باشد. بناءً برای هیچ گروه اسلامی مانند اخوان المسلمین، هرگز جای باقی نخواهد ماند که از چنین نظامی حمایت کنند؛ زیرا حمایت از این نظام از سقوط آن جلوگیری نموده و عمر آن را دراز می‌سازد و نفوذ غرب و یهود را در این سرزمین دوامدار ساخته و دخالت یهود را در منطقه قوی و قوانین نظام‌های وضعی باطل را بالای مسلمانان قوت می‌بخشد که در نتیجه امت مسلمة را از سقوط دادن چنین نظامی جلوگیری نموده و در حقیقت باعث جلوگیری برپائی خلافت اسلامی شده و در نتیجه باعث جلوگیری تطبیق احکام شریعت اسلامی می‌شود.

بناءً لازم است تا برادران گروه اخوان المسلمین و سایر مسلمانان در سرزمین اردن، با دریافت چنین واقعیت‌ها، با تمام قوت و نیرو با چنین نظام مزدور مبارزه کرده و برای از بین بردن و برکندن ریشه‌های آن کار و فعالیت نموده و دولت اسلامی را به‌جای آن تأسیس نمایند. برای هیچ کسی جائز نخواهد بود بعد از این که رسوائی، مزدوری و خیانت این نظام برملا شد، از فعالیت برای سرنگونی چنین نظامی دست بردارد.

نویسنده: ابوحمزه خطوانی

4 صفر 1440 هـ.ق

26 سپتمبر 2018 م